بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در ديدار با رئيس جمهور و اعضای هيأت دولت - 4 /شهريور/ 1383

بسم الله الرّحمن الرّحيم
به برادران و خواهران عزيز ؛ جناب آقاي رئيس جمهور، آقايان وزرا، معاونان، مسؤولان و مديران عالي رتبه خوشامد عرض مي كنم.
رسم ما اين است كه در هفته ي دولت، هم ياد شهداي عزيز اين هفته را گرامي مي داريم - در واقع با تكرار نام شهيد رجايي و شهيد باهنر، اين پرچمها را كه تعيين كننده ي خط مشي دولت و نظام جمهوري اسلامي است، مشخص تر و واضح تر جلوي چشم خودمان مي گيريم، تا فراموش نكنيم كه از چه راهي عبور مي كنيم و به كجا مي خواهيم برسيم - و هم پايان يک سال و آغاز سال جديد را به دولت محترم و خدمتگزار معمولاً تبريک عرض مي كنيم.
امسال اين حوادثي كه در نجف و در مجموعه ي كشور همسايه ي ما - عراق - رخ مي دهد، حقيقتاً آن چنان غمي را بر دلهاي ما تحميل مي كند كه نشاط تبريک گويي و تبريک شنوي را سلب مي كند. حقاً و انصافاً آنچه كه امروز نظاميان اشغالگر در عراق و بخصوص در نجف انجام مي دهند، از نقاط سياهِ ماندگار و فراموش نشدني است. نجف يک دانشگاه است ؛ فقط يک شهر معمولي نيست. هزار سال است كه اين شهر مركز علم، مركز پرورش علماي بزرگ و صادر كردن علماي برجسته و پارسا و پرهيزگار به همه ي نقاط دنياي اسلام بوده و بالاتر از اين، مرقد اميرالمؤمنين و محل توجه دلهاي مسلمانان و بخصوص شيعيان است. اين نظاميان اشغالگر با ناديده گرفتن همه ي اين مسائل، اين يادگارهاي عزيز تاريخي و هميشگي ملت ما را اين طور راحت مورد تهاجم قرار مي دهند و سياستي را كه از نظر افكار عمومي دنيا و از نظر همه ي معيارهاي انساني صددرصد محكوم است، مي خواهند اين جا پيش ببرند. سياست امريكايي ها در عراق و بخصوص در اين حوادث نجف، سياست پيش بردن كار با زور و سركوب است و بديهي است كاري كه با زور و سركوب بخواهد پيش برود، يقيناً كار ماندگار و موفقي نخواهد بود ؛ اينها بلاشک شكست مي خورند. و تعجب اين است كه اين سياستگذاران ناشي و مست و لايعقل امروز امريكا و پشتيبانان آنها نمي فهمند كه چه اشتباه بزرگي را مرتكب مي شوند و سياست غلطشان را دنبال مي كنند. بلاشک اين سياست علاوه بر اين كه ضربه هاي طاقت فرسايي را به نظام امريكا خواهد زد، ده ها سال دره ي عميق نفرت را بين امريكايي ها و اشغالگران با امت اسلامي و دنياي اسلام به وجود خواهد آورد. ما با ملت و با مظلومان عراق همدردي و همدلي مي كنيم و كارهاي اشغالگران را محكوم مي كنيم و اميدواريم خداوند متعال در حمايت از حق، سنت هميشگي خودش را بار ديگر نشان دهد.
اين روزها شما آخرين سال دولت را مي خواهيد آغاز كنيد. البته آخرين سال اين دولت با اولين سال اين دولت هيچ تفاوتي ندارد. همه ي سالها، همه ي ماه ها و همه ي روزها، روزهاي كار و خدمت است. اين هست كه وقتي شما در پايان يک دوره ي چهارساله يا هشت ساله، به مجموعه ي كار و تلاش مخلصانه يي كه به خرج داده ايد نگاه مي كنيد، هم خودتان احساس رضايت مي كنيد، هم مطمئن مي شويد كه خداي متعال از محصول كار شما راضي است و ملت هم نتايج اين را در زندگي خودشان احساس مي كنند. اگر خداي نكرده كمبود و نقصي وجود داشته باشد، انسان در دل خودش نه اين رضايت را از خود دارد، نه اين خاطرجمعي را از رضايت الهي و رضايت مردمي.
ما وظايفي داريم. ماها مي آييم و مي رويم ؛ مسؤولان مختلف مي آيند و مشغول كار مي شوند و در مجموعه ي نظام جمهوري اسلامي نقش خودشان را ايفا مي كنند و مي روند، ليكن مجموعه ي فعال و كارآمد نظام با آمد و رفتِ ماها نبايد هيچ گونه تغييري جز تقويت پيدا كند و به خودش ببيند ؛ مثل بازيكنهاي يک تيم ؛ يكي خارج مي شود، يكي داخل مي شود ؛ اما تيم مشغول كار خودش است و تلاش خودش را انجام مي دهد و به مصلحت، يكي مي آيد و يكي مي رود. روال كار بايستي تداوم و استمرار سياستهاي كلي يي باشد كه مجموعه ي نظام آن را براي آينده ي كشور تصوير كرده است. البته دوره ي كاري هر كدام از ماها يک بخشي از عمر اين نظام را در واقع به خود

اختصاص داده ؛ فرضاً وقتي يک دولتي دو دوره - هشت سال - ادامه پيدا مي کند، اين در وضع کنوني، تقريباً يک سوم عمر همه ي نظام را اشغال کرده و کار کرده و تلاش کرده است ؛ اينها معيارهاي ارزيابي ما از کارهايمان بايستي باشد.

من اولين نکته يي را که مي خواهم به شما مديران ارشد اين مجموعه عرض کنم، اين است که «انگيزه»ي کار در آغاز و در انجام کار نبايد هيچ تفاوت کند. يک مؤلف وقتي کتابي را مي نويسد، صفحه ي آخر را با همان همت و با همان انگيزه يي مي نويسد که صفحه ي اول را شروع کرده ؛ زيرا اگر صفحه ي آخر را شما ننويسيد، يا دقت به خرج ندهيد، يا با خط خوب ننويسيد، کتاب ناقص خواهد شد. به نظر من، مهمترين مسأله در آخرين سال مسؤوليت و خدمت اين دولت اين است که دوستان و برادران و مديران با همان انگيزه و با همان تلاشي که در آغاز ورودشان به عرصه ي خدمتگزاري داشتند، کار بکنند ؛ نگذاريد خداي نکرده همتهايتان کاستي بگيرد.

نکته ي ديگر اين است که همه ي ما نسبت به آنچه که انجام مي دهيم، مسؤوليم ؛ منتها مسؤوليتها غالباً با پايان دوره ي مسؤوليت تمام نمي شود ؛ چون کارهاي ما تأثيراتي در کارهاي افراد بعد از ما مي گذارد. همان طور که ما بر روي بناي افراد قبلي شروع به کار کرديم، ديگران هم بر روي بناي ما شروع به کار خواهند کرد. بنابراين، پي ها را بايستي محکم گذاشت و ساختمان را بايستي استوار بنا کرد، تا هرچه که خواستند روي آن بسازند، بتوانند. و اين، افتخارش براي شما خواهد بود. اگر شما سياستهاي خوبي را امروز بگذاريد و اجرا کنيد - که اين سياستها در آينده ساري و جاري خواهد بود - هر کسي که بر اساس اين سياستها کار کند، ثواب و افتخار آن، براي شما خواهد بود ؛ اما اگر خداي نکرده کوتاهي هم بکنيد، باز همين طور است ؛ يعني «من سنّ سنّة حسنة کان له اجرها و اجر من عمل بها الي يوم القيامة و من سنّ سنّة سيّئة کان عليه وزرها و وزر من عمل بها الي يوم القيامة». کارهاي ما تأثيراتي در آينده مي گذارد. با اين ديد، با اين نگاه، بايستي به همه ي کارهايمان نگاه کنيم.

گزارشهايي که امروز داده شد، گزارشهاي بسيار خوبي بود ؛ اما افسوس که هم کوتاه بود و هم همه ي دوستان فرصت نکردند گزارش بدهند و هم فرصت نشد که همه ي آنچه را که در هر دستگاه هست، گزارش بدهند. اين جلسه براي گزارش دادن کافي نيست ؛ شما بخشي از وقت امسال را براي گزارش دادن به مردم صرف کنيد. اين که ما گفتيم امسال، سال پاسخگويي است، مظهر اين پاسخگويي همين گزارشهايي است که شما به مردم خواهيد داد. بسياري از کارهايي را که در بخشهاي شما انجام گرفته - من البته اطلاع دارم، ولي در همين گزارشهاي کوتاه، آنها را ذکر نکرديد. اين کارهاي خوب و مهم انجام گرفته و شما فرصت نکرديد که ذکر کنيد - خيلي ها نمي دانند. برنامه سازي کنيد و آنچه را که انجام گرفته، ترسيم و بيان کنيد ؛ من قبلاً به آقاي رئيس جمهور هم اين مطلب را گفته ام. دو ستون درست کنيد: کارها و خدماتي که انجام داده ايد، کارهايي که انجام نداده ايد، يا ناکام مانده ايد در انجامش ؛ اينها را با مردم در ميان بگذاريد و بدانيد که مردم قدر خدمت و قدر تلاش را مي دانند. ما بايد هم کارهاي کرده ي خودمان و هم کارهاي نکرده ي خودمان، يا درست نکرده ي خودمان را با صداقت در ميان بگذاريم. مطمئناً آن تلاش و همت و اهتمامي که انجام گرفته براي ستون مثبتها، عذر خواهد بود براي ما نسبت به ستون ناکرده ها ؛ چون ناکرده ها از روي تعمد، ناکرده نمانده، بلکه به خاطر کمبود امکان، کمبود منابع و گاهي به خاطر دير رسيدن فکر به ذهن انسان و مسائلي از اين قبيل، ناکرده مانده است. اين مسائل را براي مردم بيان کنيد ؛ من بر اين معنا اصرار دارم. عملکرد شما از عملکرد نظام جدا نيست ؛ نمي شود گفت ما نظام خوبي داريم ؛ اما دولت بدي داريم ؛ بالاخره دولت برخاسته ي از همين نظام است. هر کاري که شما کرده باشيد و خوب کرده باشيد، براي نظام است و اگر کاري نکرده باشيد، يا بد کرده باشيد، باز هم متعلق به نظام است. ما اصرار داريم که آنچه انجام گرفته و اهتمام به کار رفته، صادقانه، درست و روشن به مردم بيان شود ؛ مشخص کنيد چه تحويل گرفته ايد و چه تحويل خواهيد داد ؛ مثل صورت وضعيتهايي که مهندسان در هنگام تحويل و تحول يک کار تهيه مي کنند، شما هم صورت وضعيت کار خودتان را حقيقتاً مشخص و معين کنيد و سعي کنيد که حداکثر دقت را هم در اتقان آن به کار ببريد. حقيقتاً وقتي ما با مردم مواجه مي شويم، مي توانيم اعتماد مردم را با صدق لهجه و بيان واقعيتها کاملاً جلب کنيم. نبايد تصور کرد که صداقت و عدم صداقت از نظر مردم پوشيده خواهد ماند ؛ بالاخره توجه مي کنند.

نكته ي ديگر اين است كه اولويتهايي را در مدت باقي مانده بايد در نظر بگيريد. وقتي انسان چشم انداز ميدان كارش طولاني است، انتخابهاي متعددي مي تواند داشته باشد ؛ اما وقتي چشم اندازها كوتاه مي شود، زمان هم براي ادامه ي كار كوتاه مي شود و انتخابها هم كم ؛ بايستي اولويتها را در نظر گرفت. به نظر من يكي از اولويتها در اين مدت يک سال عمر اين مجموعه ي دولت، اين است كه اهتمام كنيد به اتمام كارهايي كه شروع كرده ايد. اين گزارش كارهاي نيمه تمام - كه آقاي رئيس جمهور بيان كردند - بسيار مهم است. ما ببينيم كارهاي نيمه تمام كه در دو يا سه سال پيش داشته ايم چقدر بوده و امروز چقدر است. انسان وقتي نگاه مي كند و مي بيند اين كارها به انجام رسيده، احساس موفقيت مي كند. به نظر من يكي از كارهاي مهمي كه در اين مدت بايد انجام بگيرد، همين است كه كارهاي نيمه كاره را سعي كنيد به اتمام برسانيد. موضوع دوم در اولويتها، اين است كه اين كار به معناي اين نيست كه نهالهاي تازه سر برآورده را فراموش كنيد ؛ نه. مثلاً فرض كنيد به همين كار تحقيقات، كار توليد علم، ارتباط صنعت و علم و همين پاركها يا مراكز تحقيقاتي كه كارهاي جديد است و نهالهاي تازه سر برآورده، و كاري هم نيست كه تمام شدني باشد، بايد توجه كنيد كه استمرار پيدا كند، تا اين درخت، تناور شود ؛ به اينها هرچه مي توانيد، برسيد. اين، جزو بهترين چيزهايي است كه از شما باقي خواهد ماند.

نكته ي ديگر اين است كه صحنه را تا آن جايي كه مي توانيد از فساد پاک كنيد. من روي مسأله ي فساد خيلي تكيه كرده ام و ممكن است بعضي به نظرشان بيايد كه تكراري است، و چرا؟ نه، من اعتقاد راسخ دارم كه مادامي كه ما مجموعه ي دستگاه اجرايي خودمان را - اعم از دستگاه هاي قوه ي مجريه و دستگاه هاي قوه ي قضاييه - از فساد مالي و انحراف از روشهاي قانوني و صحيح خالي نكنيم، همه ي كارهاي ما مثل همان آبي - گزارش دادند كه ما از مصرف آب كشور درست استفاده نمي كنيم ؛ مثل همين آبياري هاي غرقابي، يا مثل همين يارانه هايي كه دولت مي دهد و بخش عمده ي آن هدر مي رود و بخشي از آن به جايي كه بايد برسد، مي رسد - كه گزارش دادند، هدر خواهد رفت. من بارها اين را گفته ام، مثال زده ام و تكرار كرده ام كه فساد در دستگاه اجرايي مثل اين است كه ما چندين لوله ي قطور آب به استخري وارد مي كنيم ؛ اما استخر پُر نمي شود ؛ اين همه تلاش انجام مي گيرد، درعين حال انسان زواياي خالي را مشاهده مي كند، كه بخش عمده يي از اين، مربوط مي شود به فساد مالي و به رخنه هاي اخلاقي كه در مجموعه ي دستگاه در سطوح مختلف وجود دارد. بايد با اينها مبارزه و مقابله كنيد. تا يک عزم جدي و راسخ براي مقابله ي با اينها وجود نداشته باشد - كه حالا بحمدالله اين عزم هست و انسان آن را مي بيند - و به دنبال آن عزم، عمل، تحرک، دنبالگيري و عدم اغماض نباشد، ريشه ي فساد بيرون نخواهد آمد و همين طور روي مجموعه ي فعاليتهاي مخلصانه يي كه در مجموعه ي دستگاه انجام مي گيرد، تأثير مي گذارد.

دوستان به مسأله ي كوچک كردن، خصوصي سازي و حجم زياد و فربه ي دولت اشاره كردند، كه اينها همه مورد تأييد است. من اين نكته را عرض كنم: ما در زمينه ي همه ي فعاليتهاي گوناگون اقتصادي و توليدي كشور و حواشي آن، بايد توجه كنيم كه ما هم توسعه محوريم، هم عدالت محور. ما طبق برخي از سياستهايي كه امروز در دنيا رايج است و طرفداران زيادي هم دارد، نيستيم كه صرفاً به رشد توليدات و رشد ثروت در كشور فكر كنيم و به عدالت در كنار آن، فكر نكنيم ؛ نه، اين منطق ما نيست. نوآوري نظام ما همين است كه مي خواهيم عدالت را با توسعه و با رشد اقتصادي در كنار هم و با هم داشته باشيم و اينها با هم متنافي نيستند. ما ديدگاهي كه تصور كند اينها با هم نمي سازند و يا بايد اين را انتخاب كرد يا آن را، قبول نداريم. اين نكته بايد در همه موارد ؛ هم در كاهش حجم دولت، هم در مسأله ي خصوصي سازي، هم در نگاه كلي به مسائل اقتصادي و هم در تقسيم منابع ميان بخش خصوصي و بخش تعاوني و بخش دولتي رعايت شود.

ما منابع مالي كشور را كجا بيشتر مصرف مي كنيم؟ البته اين يكي از نقاط درست است ؛ اين كه دوستان تكيه كرديد كه ما اين مقدار را به بخش خصوصي از حساب ذخيره ي ارزي يا از منابع دولتي تزريق كرديم ؛ اين فلسفه ي درست و سياست درستي است ؛ منتها در كنار اين، توجه كنيد كه ما با اين كار عقب افتادگي هايمان را جبران كنيم و نبايد به سمت افراط در اين زمينه برويم. بخش تعاوني را تقويت كنيم، اموال دولت و دارايي ها و موجودي هاي دولت را براي رعايت مصلحت عموم حفظ كنيم و مواظب باشيم كه اموال دولت و دارايي هاي دولت در زير اين قالب

و چهارچوب از بين نرود و نابود نشود.
نكته ي بعد اين كه ممكن است فعاليتهاي كاري ما با ابتكارها و ديدگاه هاي نو و نيروهاي پُرنشاط و نوبه نو تغيير پيدا كند، ليكن سياستهاي كلي مان نبايد دچار التهاب و اغتشاش شود ؛ يعني خط سياسي مستمري كه در سند «چشم انداز» ديده شده، بايستي ادامه پيدا كند. البته وقتي ما هدفي داريم، كاركنان و عاملان و بازيكنان نوبه نويي وارد صحنه مي شوند، ابتكارهاي خودشان را به كار مي زنند، كارهاي جديدي را انجام مي دهند، رأي و نظر خودشان را به كار مي بندند و ممكن است از صحنه كنار بروند و كس ديگري بيايد و در بخشي از بخشها جاي آنها را بگيرد - اين ايرادي ندارد - و ابتكار جديدي را به كار بزند و نگاه جديدي به مسائل و اجرائيات داشته باشد، ليكن سعي كنيم ثبات سياسي در كشور و در سياستهاي كلي كشور دچار التهاب نشود. يكي از چيزهايي كه اطمينان و اعتماد را به كار بلندمدت اقتصادي و اجتماعي در كشور تضمين مي كند، ثبات سياستهاست ؛ ما بايستي به اين موضوع هم در اظهاراتمان، هم در عملكردمان و هم در انعكاس كارهايمان توجه كنيم و اهميت دهيم.
سياست نظام اسلامي اين بوده كه به مردم تكيه كند. حقيقتاً نظام مردمسالار به معناي حقيقي كلمه نظام جمهوري اسلامي است. ما در چهارچوب اسلام و با هدايت اسلام و نگاه اسلامي، به مردم تكيه مي كنيم و با مردم و براي مردم حركت مي كنيم. تكيه به مردم، تكيه به جوانها، دفاع از حقوق محرومان - در كشور ما انگيزه ي دفاع از محرومان عمومي است ؛ اگرچه كه اميدواريم دايره ي محرومان روزبه روز كوچكتر شود و كمتر باشند - به كارگيري سرمايه ها و ابتكارهاي صاحبان سرمايه - يكي از بخشهاي تكيه به مردم، همين به كارگيري سرمايه هاي آنهاست - كلاً سياست نظام اسلامي است. ما سرمايه هاي مالي و سرمايه هاي فكري و ذهني مردم را براي پيشرفت كشور به كار مي گيريم و ان شاءالله ستون موفقيتها را براي اين دولت هرچه طولاني تر مي كنيم.
نكته ي ديگري كه لازم است اين جا تذكر بدهم، اين است: همه ي كساني كه حرف مي زنند - چه در مطبوعات، چه در تريبونها و منابر ديگر - مواظب باشند خدمات و تلاشهاي صادقانه ي دولت را به خاطر كمبودها زير سؤال نبرند. ما كمبودها و نقصها و ناكاميها را در بخشهاي گوناگون انكار نمي كنيم ؛ اما به هيچ وجه وجود نقص و كمبود نبايد موجب شود كه تلاشهاي صادقانه و خدمات ارزنده و كارهاي شده، زير سؤال برود و انكار شود ؛ كه اين بي انصافي است، و اميدواريم هيچ كس اين بي انصافي را نكند.
من مي خواهم خواهش كنم كه اين سال آخر خدمت اين دولت خدمتگزار، به مناقشات بي حاصل نگذرد ؛ چه در درون دستگاه اجرايي، چه بين قوه ي مجريه و قوه ي مقننه، چه در مجموعه ي نظام. گفتن، تذكر دادن، پرسيدن و نظارت - كه از جمله كارهاي مجلس شوراي اسلامي است - يک حق مسلّم است ؛ ما در اين ترديدي نداريم و معتقديم كه نقد منصفانه و پاسخگويي منصفانه به نقد، به تقويت دستگاه و نظام كمک مي كند، ليكن اين نبايد با مناقشات و گفتگوها و بگومگوهاي لفظي اشتباه شود.
شما كارهاي جديدي را امسال شروع كرديد كه به نظر من كارهاي خوبي است: مبارزه ي با قاچاق به صورت كارآمد و بنياني، وزارت رفاه و تأمين اجتماعي، سازمان گردشگري و ميراث فرهنگي ؛ اينها كارهاي امسال شماست و شروع كار نو در سال آخر يک دولت، به نظر من نشانه ي خوبي است از اين كه مسؤولان دولتي احساس نمي كنند كه بناست تاريخ انقلاب و كشور با جابه جايي ها ختم شود ؛ نه، همچنان كه ديگران كاشتند و ما خورديم، ما مي كاريم تا ديگران بخورند ؛ ما بنيان مي گذاريم تا ديگران تكميل كنند ؛ تا ديگران از آن استفاده كنند و بهره ببرند.
اين سه كاري كه شما امسال شروع كرديد، به نظر من يكي از پيامهاي بسيار خوب و مثبتي كه دارد اين است كه دولت احساس نمي كند كه چون سال پاياني دولت است، پس پايان نظام جمهوري اسلامي است ؛ نه، دولت كارهايي را بنيانگذاري مي كند، تا ديگران بيايند و ان شاءالله آن را دنبال كنند. اتفاقاً اين كارهايي كه شروع شده، كارهاي بسيار خوبي است. مسأله ي قاچاق حقيقتاً براي كشور خطر است و مبارزه ي كارآمد با قاچاق يكي از خدمات بسيار بزرگ است. رفاه و تأمين اجتماعي هم كلاً ناظر به طبقات محروم است و سازمان گردشگري و ميراث فرهنگي هم كه ما قبلاً از آن تمجيد زيادي كرده ايم ؛ اگر زيادتر بگوييم، مي ترسيم زيادي شان بشود! اميدواريم كه ان شاءالله همه شان موفق و مؤيد باشند.

من از خداي متعال مي خواهم كه به شماها توفيق دهد و كمكتان كند. ان شاءالله شماها توفيق خدمتگزاري براي اين نظام و كشور و دولت معزز جمهوري اسلامي را تا آخر عمرتان داشته باشيد و هميشه در خدمت اين نظام باشيد و براي اين نظام كار كنيد و تا روز آخر هم - يعني روز آخر اين سال آخر را مثل روز آخر سال اول بدانيد - هيچ تغييري در انگيزه و اهتمام شما ان شاءالله به وجود نيايد و خداي متعال از شما راضي باشد و مردم هم راضي باشند.

تأكيد مي كنم آن دو تا ستون را حتماً ترسيم كنيد. من دو، سه مرتبه با آقاي خاتمي در همين سال پاسخگويي - البته چه قبل از فروردين امسال، چه بعد از فروردين - درباره ي اين قضيه صحبت كرده ام. هيچ اشكالي ندارد كه مجموعه ي دولت مشخص كند كه اين بخش از مجموع عملكردش مثبت است ؛ اين بخش، منفي ؛ چون آن بخش كه مجموع عملكردش منفي است، معنايش اين نيست كه بد كار كرده، بلكه ممكن است كمبود منابعش، نداشتن امكانات و نبودن زيرساختهايش در عملكردش مؤثر بوده است، كه البته كاملاً عملي و ممكن است. حداقل كار اين است كه در هر بخشي از بخشها، ستون موفقيتها را با ستون عدم موفقيتها كنار هم بگذارند و به مردم نشان بدهند، تا مردم جمع بندي كنند. البته اعتقاد من اين است كه اين تراز، تراز مثبتي خواهد شد ؛ يعني جمع بندي، جمع بندي مثبت خواهد شد. نبايد مردم تصور كنند كه ما فقط جنبه هاي مثبت را مي گوييم و منفي ها را نمي گوييم.

به من تذكر دادند كه اين تجميع كارهاي مربوط به ايثارگران در بنياد ايثارگران هم كار خوبي بوده. بله، اين را هم من تصديق مي كنم ؛ يادم نبود كه بگويم. اين هم يكي از آن كارهاي بسيار خوبي بود كه انجام گرفت ؛ اميدواريم ان شاءالله اين كار هم كار موفقي باشد و پيش برود و ان شاءالله پيش هم مي رود و به نفع ايثارگران تمام مي شود.

خداوند شماها را موفق و مؤيد بدارد